

## علل اجتماعی دین‌گریزی از دیدگاه آیات و روایات

معصومه نارکی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> فارغ التحصیل سطح ۲ حوزه علمیه حضرت بی بی حکیمه (سلام الله علیها) گچساران

### چکیده

دین به عنوان یک مجموعه‌ای نظام‌مند، تمام ابعاد زندگی انسان را دربرگرفته و با حرکات و سکنات و افکار و اعمال انسان ارتباطی تنگاتنگ دارد، به گونه‌ای که بیشتر اعمال و اندیشه‌های انسانی مرتبط با دین می‌شود. دین‌گریزی به معنای کم‌فروغ شدن ایمان و هرگونه دوری کردن از دین است که اختصاص به دین خاصی ندارد بلکه این پدیده دامنگیر همه ادیان و مکاتب است و عوامل گوناگونی دارد. دین‌گریزی به دلیل نقش تعیین‌کننده و تاثیرگذار دین در گذشته، اینک حکم شاخصی را پیدا کرده که به واسطه آن می‌توان تحولات اجتماعی- فرهنگی جوامع را رصد کرد و تحلیل نمود. حال سوال این است که علل اجتماعی دین‌گریزی چیست؟ برای پاسخ به این سوال، پژوهش موردنظر از طریق روش توصیفی - تحلیلی و با شیوه کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفت و علل اجتماعی دین‌گریزی، سخت و نا زیبا جلوه دادن دین، فقر معرفتی نسبت به مقولات دینی، تندی و خشونت در گفتار و عمل، شبهات، اشاعه فساد، ابتذال و بی‌بندوباری، مشکلات اقتصادی موجود در کشور، گرایش طبیعی انسان‌ها به رهایی از قید و بندها، دوستان نامناسب و تهاجم فرهنگی، به دست آمد.

**واژه‌های کلیدی:** دین‌گریزی، اجتماعی، دین، آیات، روایات

## ۱- مقدمه

اقبال یا ادبار آدمیان به دین، همچون بسیاری از امور اجتماعی، معلول علل و عوامل متعددی است. گستره و قلمرو این بحث، حوزه‌های فلسفی، کلام، فقهی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی دین را شامل می‌شود. پیچیدگی انسان و امور انسانی مانع از آن است که بتوانیم افکار و اعمال او را به یک یا چند علت محدود بازگردانیم. لذا باید در پی کشف علل پیدا و پنهانی بود که در تقویت و تضعیف دینداری انسان‌ها نقش ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، با توجه به حاکمیت نظام دینی در جامعه ما و تولید امور جامعه توسط دینداران و نقشی که این موضوع بر اقبال و ادبار آدمیان به دین دارد، ضرورت تأمل در مسئله را مضاعف می‌کند. همچنین، تلاش عوامل خارجی و داخلی برای ایجاد شکاف بین دینداران نباید نادیده گرفته شود. تمامی این امور، ضرورت توجه به مسائل دینی و اعتقادی، از جمله مسائل مهمی چون بررسی و کشف علل و عوامل دین‌گریزی یا دین‌گرایی را موکد می‌کند [۱].

اعتقادات مذهبی در تمامی اعمال و رفتار انسان مومن منعکس شده، او را به انجام اوامر الهی ترغیب می‌کند و یکی از روش‌های رایج به منظور درمان بزه‌کاران و اصلاح آنان و پیشگیری از وقوع جرم در بیشتر کشورهای دنیا، شیوه مذهب درمانی است. یکی از بهترین عوامل بازدارنده از ارتکاب که اثر بسیار مهمی دارد، نیز عامل مذهب است. زمانی که در جامعه‌ای نقش مذهب و عوامل معنوی پررنگ می‌شود، بی‌شک میزان جرم و جنایت نیز کاهش می‌یابد به گونه‌ای که در بررسی‌ها و تحقیقات صورت گرفته مشخص شده است، غالب مجرمان افرادی دور شده از دین هستند و در خانواده‌هایی پرورش یافته‌اند که ارزش‌های معنوی، کمرنگ شده و ارزش‌های مادی جای آن را گرفته است. دین‌گریزی به عنوان یک معضل اجتماعی سلامت جامعه را تهدید می‌کند. پذیرش دین و باورهای دینی از سوی عموم مردم، موجب ایجاد نظم در سطوح و عناصر مختلف اجتماع می‌شود. دین‌گریزی گروهی از جوانان به‌ویژه دسته‌ای که پرورش یافته دوران انقلاب هستند، از مسائل مهم اجتماعی و فرهنگی کشور است [۲].

دین یکی از عواملی است که انسان را به راه درست سفارش کرده و مانع از ارتکاب گناه و کارهای ناصحیح می‌شود. در دوره جدید، موانعی بر سر راه دینداری قرار گرفته که منجر به دین‌گریزی انسانها و مخصوصاً نسل نوجوان و جوان شده است که باید شناسایی شده و در جهت رفع آنها تلاش شود. تحقیق مورد نظر و دنبال بررسی علل اجتماعی دین‌گریزی می‌باشد که به روش توصیفی - تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای انجام می‌شود.

## ۲- متن

## ۲-۱- مفهوم دین‌گریزی

مطابق آموزه‌های اسلامی، دین فطری و دایمی است و هیچ کس نمی‌تواند به طور کامل با دین قطع رابطه کند؛ زیرا دین امر فطری است و هرگز غروب نمی‌کند؛ بنابراین دین‌گریزی به معنای نفی مطلق دین نیست؛ زیرا بنابر آیات قرآن مشرکان نیز در شمار دینداران هستند و از سرنوشت دین خود می‌هراسند؛ دین‌گریزی را می‌توان به معنای کم رنگ شدن ایمان و کم فروغ شدن چراغ دین در زندگی افراد دانست [۳].

## ۲-۲- علل اجتماعی دین‌گریزی

خداوند دین و دینداری را در فطرت بشر به ودیعه نهاد و علی‌رغم اینکه دینداری و دین‌خواهی را در فطرت او قرار داد، اختیار و انتخاب سعادت و شقاوت را نیز به خود او وا گذاشت. تاریخ تمدن و فرهنگ انسان مملوء از جنگ و جدال‌هایی است که بین دینداران و ملحدان شکل گرفته است و عامل مهم و اصلی تحول فرهنگ بشری، دین و دینداری است [۴].

دین‌گریزی به بلندای عمر دین پیشینه دارد. از زمان پیدایش نخستین، برخی دین را برناتافتند و گروهی سر بر آستان آن نهادند، اما پس از چند از آن گریختند. این گریز و عوامل آن در گذشته تاریخ بسیار محدود و انگشت شمار بود، هم دین‌گريزان

در اقلیت بودند و هم عوامل دین‌گریزی در شمار قرار نمی‌گرفت. در نگاهی به تاریخ پر از فراز و نشیب به دین‌نشان می‌دهد دین‌باروری به تقلیل می‌رود و دین‌گریزی رشد می‌کند، تا آنجا که در چند سده اخیر دین‌گریزی سرعت چشمگیری یافته، اروپای مسیحی، غیرمسیحی می‌نماید، دین بر شئون زندگی اروپاییان حاکم نیست، دین تافته‌ای جدابافته از دیگر نهادهای اجتماعی لحاظ نمی‌شود و بسیاری از دول اروپایی تاب تحمل وجود واژه دین را در قانون اساسی اروپای متحد ندارند و خواهان حذف این واژه هستند [۵].

انسان‌ها در مقاطع مختلف تاریخ به دلایل متعدد و متنوع، نسبت به این فطرت گاهی اقبال شدید داشته‌اند و گاهی در اثر تحریقاتی که در آن صورت گرفته است، از آن اعراض نموده، به سوی مکاتب و اندیشه‌های بشری روی آورده‌اند. اعتقاد به خدا و گرایش به دین، نشانه‌ی سلامت آدمی و گریز و ستیز با آن، به منزله بیماری است. بنابراین گرایش به دین نیاز به علت‌جویی ندارد. چون براساس فطرت است بلکه باید به دنبال این بود که چرا بشر به بی‌دینی گرایش پیدا می‌کند؟ به عبارت دیگر گریزان بودن از دین جریانی برخلاف فطرت و طبیعت است، از این رو باید به کاوش علت‌ها و ریشه‌هایی پرداخت که موجب این جریانند.

امروزه اندیشمندان جهان به این نکته توجه دارند که بزرگترین بحرانی که بر جامعه‌ی بشریت خصوصا بر جوامع صنعتی حکومت می‌کند، بحران معنوی و دوری از دین و خداست و بحران‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از فقدان معنویت و دینداری در جامعه بشری و حل این بحران‌ها تا حدودی منوط به حل بحران معنویت است. بحران معنویت، یعنی فاصله گرفتن انسان‌ها از خدا و بر زمین ماندن دستورات الهی. این سنت الهی است که هرگاه جامعه‌ای از خدا، دین و دینداری فاصله گرفت، محکوم به شکست و نابودی است. راه جلوگیری از این انحطاط و سقوط، آن است که اسباب و عوامل دین‌گریزی را شناسایی کنیم و به مقابله با آنها بپردازیم. تا زمانی که این کار مهم انجام نگیرد، نردبان توسعه در زمینه‌های گوناگون مادی و معنوی را نخواهیم پیمود [۴].

در جهان کنونی که توجه بشر مجذوب به مدرنیته و پیشرفت افسار گسیخته می‌باشد، دین همان است که چند قرن اخیر مورد بی‌مهری و روی‌گردانی بشر به خصوص جوانان قرار گرفته است. این فاصله‌گیری یا واپس‌گرایی از یک سری اصول عقاید، احکام بشری و اخلاق نیک که آن را دین می‌نامیم، منشا نگرانی‌ها و انحرافات بسیاری در انسان شده است. این تحقیق با هدف یافتن و استخراج بخشی از علل و عوامل اجتماعی دین‌گریزی، به بررسی و استقصای ناقص از علل و عوامل دین‌گریزی پرداخته است و در ضمن، آن دسته از علل و عواملی در آن مطرح شده که به نوعی با زندگی اجتماعی بشر مرتبط‌اند، علل اجتماعی دین-گریزی، به علل داخلی و خارجی (درونی و بیرونی) تقسیم می‌شود؛ به این معنی که برخی علل به متن جامعه دینی و پیروان آن دین مربوط است، ولی برخی دیگر، زمینه خارجی دارند.

از نظر علل موثر درونی عواملی چون: سخت‌گیری دین، دفاع نابخردانه از دین، وجود عقاید خرافی در دین، دوگانگی رفتار رهبران دینی، نحوه برخورد با عقل، مدیریت ناکارآمد، و دیگر عوامل که در این زمینه تاثیرگذار می‌باشد. اما در نظر عوامل برونی دین‌گریزی می‌توان به عللی چون: عدم اشتغال ذهنی، اعتیاد، فقر، رسانه و... تاثیر گذار می‌باشد. برای حل معضلات دینی هر جامعه می‌بایست نگاه تحلیلی بر رشد و نزول هر یک از این ملاک‌ها داشت و مهم‌تر از این‌ها فرهنگ‌سازی دینی است که جامعه را حتی با وجود هر مشقت و سختی به راه هدایت خویش سوق می‌دهد [۶].

دین برای هدایت نوع بشر است و دینداری سیر در مسیر هدایت است. در این مسیر پیوسته عواملی به صورت آفات دین و دینداری ظهور کرده که شناخت آنها و پرداختن به بهداشت دینداری از آداب مهم چنین سیری است. بیان این نکته نیز لازم است که آسیب و آفت به حقیقت دین باز نمی‌گردد، بلکه به نحوه‌ی رویکرد مردمان به دین و فهم و تلقی انسان از دین و نوع معرفت دینی و شیوه‌ی دینداری باز می‌گردد. لذا دین همواره در معرض آسیب و آفت قرار دارد و پیوسته عواملی باعث روی-گردانی از دین و دیانت می‌شود. بنابراین ما درصدد برآمدیم که به علل اجتماعی دین‌گریزی از دیدگاه قرآن و روایات بپردازیم [۴].

پدیده‌های دین‌زدگی، دین‌گریزی و حتی دین‌ستیزی از یک سری مجموعه عوامل ناشی می‌شود که بخشی از این عوامل درونی و از بطن جامعه بروز می‌کند و برخی از عوامل بیرونی و پدیده‌های جامعه‌ی جهانی است. همچنین در بین این دو گروه از عوامل یک سری به عنوان عامل بسیار مهم و موثر معرفی شدند و برخی دیگر نقش تسهیل‌کننده و تسریع‌کننده در ایجاد این پدیده‌ها را داشتند و به گونه‌ای مانند یک کاتالیزور عمل می‌کردند. در دنیای پیچیده کنونی موضوع جرم و مجرمان و نحوه برخورد با آنها به مسأله‌ای بغرنج تبدیل شده است. با ظهور دانش جرم‌شناسی، توجه به ریشه‌های زیستی، روانی و اجتماعی جرم، به عنوان علت مورد توجه واقع شد. با توجه به مدلهای رایج پیشگیری، مخصوصاً پیشگیری اجتماعی که ریشه‌های جرم و اراده و انگیزه مجرم را هدف قرار می‌دهد و درصدد جلوگیری از شکل گرفتن اندیشه مجرمانه و تبدیل آن به عمل مجرمانه می‌باشد، می‌توان گفت دین و مذهب به عنوان یکی از عوامل مؤثر در مقابله و پیشگیری از جرائم، با دارا بودن این عناصر پیشگیری، اهمیت خاصی در جرم‌شناسی پیشگیرانه پیدا کرده است [۲].

با بررسی متون دینی، علل و عوامل اجتماعی دین‌گریزی از منظر آیات و روایات استخراج شده‌اند. طبیعی است بررسی همه آیات و حجم بالای روایات در این خصوص، کاری به مراتب مفصل‌تر و عمیق‌تر از یک پژوهش معمولی را می‌طلبد که از رسالت این نوشتار بیرون است. آنچه از علل و عوامل در اینجا آمده، محصول بررسی بخشی از آیات و روایات اسلامی است. عوامل عبارتند از:

#### ۱- سخت و نازیبا جلوه دادن دین: پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: ((خدا مرا با شریعتی آسان و با گذشت مبعوث کرد)).

دین نیز به این نکته کاملاً توجه نشان داده و به زیبایی در آغاز اسلام و در وحی الهی، این مسئله تجلی یافته است. کتاب و کلام الهی در اسلام، ((قرآن)) (= خواندنی) نامیده شد. هرکی از سوره‌های آن با اسامی ساده و مانوس با ذهن مخاطب انتخاب شدند. انبیا نیز همواره در گفتار و کردار، نمود زیبا و ساده‌ای داشته‌اند و دقیقاً از همین منظر است که پیامبر اکرم (ص) به مبلغان دینی توصیه فرمودند که بیش از آنکه اندازکننده باشند، بشارت بدهند.

#### ۲- فقر معرفتی نسبت به مقولات دینی: فقر و ضعف معرفتی در عصری که دینداری عاقلانه در حال گسترش باشد،

بیشتر خود را نشان خواهد داد. در برخی آیات قرآن، علم بر ایمان مقدم دانسته شده (روم، آیه ۵۶) و این به این معناست که علم، پایه و اساس ایمان است. اینکه پیامبر (ص) فرمودند: ((من برای علم آموزی مبعوث شده‌ام)).

#### ۳- تندى و خشونت در گفتار و عمل: ((به سبب رحمت الهی در برابر مومنان نرم و مهربان شدی و اگر ستمگر بودی

از اطراف تو پراکنده می‌شدند)) (آل عمران، آیه ۵۹). آیه شریفه تصریح دارد به اینکه اگر پیامبر (ص) خشونت به خرج می‌داد مردم از اطرافش پراکنده می‌شدند. در باب بردباری و تحمل و دوری از خشونت و تندى در متون دینی متعدد توصیه شده است. این اوصاف از هرکسی که باشد، موجب کمال و زیبایی اوست. بویژه از مسلمانان و آنانی که از جایگاه خاصی در جامعه برخوردارند.

#### ۴- شبهات: حضرت علی (ع) در سبب نامگذاری شبهه می‌فرمایند: شبهه را از این جهت شبهه گفته‌اند که شباهت به

حق دارد. طبیعی است که چنین چیزی دین را فاسد و نور ایمان را در قلبها خاموش می‌کند.

#### ۵- اشاعه فساد، ابتذال و بی‌بندوباری: پرورش روح انسان بدون محدود کردن شهوت امکان‌پذیر نیست و انسان وقتی

شهواتش عنان گسیخته باشد، مانند حیوانات می‌شود و در این صورت، راه رشد انسانی برای رسیدن به کمالات مسدود می‌گردد. از این رو، اسلام بخصوص برای ارضای غریزه جنسی، ضابطه، قاعده، حدود و قیود تعیین کرده است. بر همین اساس، یکی از راه‌های آسان و ساده مبارزه با نفس دین در یک جامعه، باز کردن راه عنان گسیختگی شهوات است، یعنی همان کاری که انگلیسی‌ها در ادوار گذشته در ممالک اسلامی انجام دادند و جوانان را در عالم فساد و میگساری غرق کردند.

#### ۶- مشکلات اقتصادی موجود در کشور: در دوره جوانی غرایز به اوج می‌رسد و جوان در پی ارضای آنهاست. تامین به

موقع این نیازها، نقش بسیار مهمی در تعدیل رفتار و رشد و تکامل او دارد و عدم ارضای آنها نه تنها مانع رشد و کمال

می‌گردد، بلکه سبب ناهنجاری‌های رفتاری زیادی می‌شود. کفر به عنوان یک ناهنجاری اعتقادی، همان‌سان که می‌تواند معلول جهل و ضعف معرفتی باشد، معلول فقر نیز هست. از این رو، معصومان (ع) فرموده‌اند: یکی از پیامدهای احتمالی فقر، کفر و دین‌گریزی است.

**۷- گرایش طبیعی انسان‌ها به رهایی از قید و بندها:** انسان به طور طبیعی به دنیاطلبی و راحت‌طلبی بیشتر علاقه دارد تا حرکت به سوی خدا. این یک امر غریزی است. خوردن و خوابیدن برای انسان، راحت‌تر از این است که کارهای سخت انجام دهد. میل طبیعی به مادی‌گری و دنیاطلبی در انسان وجود دارد و هر جامعه‌ای که در این جهت زمینه بیشتری داشته باشد، مردمش به آن سمت کشیده خواهند شد [۷].

**۸- عدم پیشرفت جوامع اسلامی:** عده‌ای به اشتباه چشمگیر نبودن پیشرفت علمی و فناوری در کشورهای مسلمان را منسوب به وصف اسلام و مسلمان بودن می‌کنند و معتقدند مسلمانان به دلیل مسلمان بودن نسبت به ملل دیگر از علم روز و پیشرفت زمانه برخوردار نیستند و این مسئله را به ماهیت اسلام ارتباط می‌دهند. بنابراین، دین را مانع پیشرفت معرفی می‌کنند. برای رفع این توهم باید به چند نکته توجه شود:

- باید دید پیشرفت دیگران تا چه حدی معلول و مدیون تفکرات مذهبی آنان است آیا علت این پیشرفت باورهای مذهبی آنان است یا تلاش و کوشش مردم آن دیار؟ البته ما منکر ارتباط و پیوند بین باورهای دینی و عمران و آبادی نیستیم بلکه سخن در تبیین و فهم درست این ارتباط و سطح تأثیر آن است.
- هدف ادیان الهی را باید به درستی در یافت و ابلاغ کرد و انتظارات خود از ادیان را اصلاح کرد. دین برنامه هدایت بشری است (بقره: ۲) و هرگونه برنامه هدایتی را باید از دین خواست البته امور مربوط به آبادانی و تسلط بر طبیعت مورد توجه دین بوده است، اما رسیدن به آن وابسته به تلاش و کوشش خود جوامع می‌باشد و کوتاهی مسلمین در آبادانی و پیشرفت را نباید پای دین و اسلام نوشت.

- با اندک نگاهی به تاریخ سده‌های گذشته جوامع، تسلط استعمار بر ملل عقب مانده و نقش آن در عقب ماندگی این ملل مشخص می‌شود. این استعمار بدون شک در عقب ماندگی جوامع نقش مهمی دارد. بنابراین، باید به عوامل و موانع پیشرفت بیشتر توجه شود و منشأ فقر و عقب ماندگی طبق واقعیات جامعه پیدا شود.

- ظهور انقلاب اسلامی در ایران و رشد قابل توجهی که طی سه دهه گذشته در جامعه اسلامی ایران اتفاق افتاده است، دلیل دیگری بر پیوند دین با رشد و شکوفایی است.

- ظهور و بروز تمدن اسلامی در قرون اولیه دلیلی محکم بر کارآمدی دین و دینداران در پیشرفت یک جامعه دینی است.
  - باید توجه نمود که تمدن امروزی غرب با وجود ظاهر فریبنده‌اش، فاقد معنویت و اصول انسانی است. غرب جامعهای است که حتی از سوی اندیشمندانش نیز نقد میشود و افراد اندکی آن را تأیید می‌کنند.
- با توجه به نکات فوق میتوان تا حدودی انتظارات از دین و شرایط کارآمدی دین را شناخت.

**۹- دوستان نامناسب:** انسان موجود اجتماعی است و نیاز دارد با مردم زندگی و با آنها رابطه برقرار کند. ازاینرو، انتخاب

دوست از بایستگی زندگی اجتماعی است؛ زیرا دوست شایسته یکی از سرمایه‌های بزرگ زندگی و از عوامل خوشبختی و سعادت بشر است. پیشوایان دین اسلام پیروان خود را در انتخاب رفیق عاقل و با ایمان سفارش نموده‌اند. امام علی(ع) می‌فرماید: "دوستی خودتان با برادران تان را محکم کنید که آنها ذخایر و پشتیبان شما در دنیا و آخرت هستند". بر این اساس دوست‌یابی یکی از اموری است که در آموزه‌های دین بسیار مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. البته این برقراری روابط باید به گونه‌ای باشد که دوست، انسان را در تحقق اهداف یاری کند؛ زیرا در غیر این صورت برقراری رابطه با دوستان ناباب، انسان را از اهداف خود دور ساخته و موجب بدبختی وی می‌شوند، چنان‌که فرزند نوح (ع) تحت تأثیر محیط دوستان دین‌گریز قرار گرفت و از شمار خاندان و نجات یافته‌گان بیرون رفت. شماری از کافران نیز با الگوگیری از بزرگان خود به دین‌گریزی کشانده شدند. همچنین برخی دوزخیان در صحرای محشر

می‌گویند: "ای وای، کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودم". همنشینی با دوستان ناباب، دین و دنیای انسان را تباه می‌کند. امام علی(ع) فرموده است: "دوستی با اشرار باعث کسب شر می‌شود".

**۱۰- تهاجم فرهنگی:** تهاجم فرهنگی یکی از مهمترین عوامل خارجی دین‌گریزی جامعه می‌باشد. دشمن برای دور کردن جوانان از دین از هر روش و ترفندی جهت تضعیف باورهای دینی و دین‌گریزی استفاده می‌کند. بدون شک ایجاد فساد و اشاعه بی‌بندوباری از مهم‌ترین برنامه‌های تهاجم فرهنگی است. این ترفند به اندازه‌ای مهم است که مقام معظم رهبری در توجه دادن به این ترفند می‌فرماید: "یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوانان مؤمن را از پابندی به ایمان - که همان چیزی است که یک تمدن را نگه می‌دارد - منصرف کنند مانند همان کاری که در قرنهای گذشته در اندلس کردند. جوان‌ها را ریختند در عالم فساد، شهوت رانی و میگساری". بنابراین، ضروری است که مسئولان نهادهای مختلف جامعه در زمینه تهاجم فرهنگی و ابعاد مختلف آن فعالیت و برنامه مفید داشته باشند و از غارت ایمان افراد جلوگیری کنند [۸].

### ۲-۳- راهکارهای مانع از دین‌گریزی

#### ۱-۲-۳- معرفی شایسته و بایسته دین

معرفی درست دین، یکی از راه‌های مهم جلوگیری از دین‌گریزی است. اگر دین‌باوران، دین را خردگرایان نشان ندهند، آموزه‌ها و باورهای دینی را با شواهد و نشانه‌های بسیار عرضه کنند و شک و تردید را از مخاطبان بگیرند، نویدبخشی دین را فریاد کنند و از سعادت آفرینی دین سخن گویند و دین را ناسازگار با علم نشان ندهند، از ناحیه اصل دین، شاهد دین‌گریزی مردم نخواهیم بود [۵].

#### ۲-۳-۲ پیاده‌سازی و عملیاتی کردن دین

عملیاتی کردن رهنمودهای اقتصادی، سیاسی - اجتماعی قرآن و سالم‌سازی جامعه و افراد براساس الگوی ارائه شده در قرآن، یکی از راهکارهای پراهمیت در راستای پیشگیری از دین‌گریزی است که در چند محور می‌گنجد:

- **توصیه‌های اقتصادی:** این پیاده‌سازی، دین‌گریزی برخاسته از فقر و تهاجم را از میان می‌برد. در این رهنمودها از سویی کار، تلاش و تولید بسیار پراهمیت نشان داده شده است: "وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى" (نجم/۳۹) و از سویی دیگر، دینداران باید بخشی از درآمد خود را به عنوان زکات، صدقه و انفاق به مستمندان و نیازمندان بپردازند: "وَأَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ" (بقره/۱۹۵)، "إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَافَهُ لَكُمْ" (تغابن/۱۷).
- **توصیه‌های سیاسی - اجتماعی:** خشونت، اجبار و سختگیری در اسلام ناپسند است. پیامبر تنها بشیر و نذیر است: "وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا" (اسراء/۱۰۵). رسول اسلام نباید سختگیری کند. سختگیری مردم را از ایشان می‌گریزند.

براساس این رهنمودها، سختگیری بر شهروندان، تحمیل خواسته‌ها و ایجاد محدودیت‌های فراگیر با روح حاکم بر آیات قرآن سازگار نیست. به قیاس اولویت، در خانواده نیز سختگیری و فشار بر اعضای خانواده مطلوب نیست. وظیفه پدر و مادر، معرفی دین و بیان واجبات و محرمات و فلسفه آنهاست نه واداشتن فرزندان به نماز، روزه یا بازداشتن آنها از شنیدن موسیقی یا حرام‌های دیگر [۵].

#### ۳-۳-۲ انسان‌سازی

بیماری‌های روحی و روانی گروهی از دینداران، انحراف عده‌ای از سخنگویان دین و آلودگی محیط، در شمار عوامل دین‌گریزی قرار دارند. برای پیشگیری از این شکل، دین‌گریزی ناگزیر از زدودن زمینه‌های بیماری، انحراف و آلودگی هستیم. در نگاه قرآن، باورها و عبادات، در فرآیند پیشگیری بسیار موفق جلوه می‌کند: "إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ". افزون بر این، فساد، بغی، حسد، تکبر و ... از صفات رذیله خوانده شده و انسان از گرفتاری به این صفات پرهیز داده شده است.

در این راستا، سخنگویان دین نیز از تحریف دین، سرپوش نهادن بر حقایق، دنیامداری، کج روی، ناشایست رفتاری و گفتاری باز داشته شده اند، سازگاری گفتار و رفتار از آنها خواسته شده، از غلو در دین و خرافه سازی نهی شده اند و حق اجبار و اکراه از آنها گرفته شده است: "یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون" (صف/۲)، "یا اهل الکتاب لا تلغوا فی دینکم" (نساء/۱۷۱). افزون بر این در مرحله پذیرش نیز باید سختگیری ها بیشتر باشد. شایسته نیست هر نا زیباروی از همه جا رانده ای بر مسند آموزگاران دینی نشیند و سخن از دین بگوید. معلمان دینی باید از میان بهترین ها انتخاب شوند، چنان که سخنگویانی که خدا بر می گزیند از بهترین ها هستند. پیامبران الهی همگی نیک رفتار و خوش گفتار و از عیوب و آفت های آفرینشی به دور بوده اند[۵].

#### ۴-۳-۲- راهکار دین گرایی از دیدگاه شهید مطهری

اندیشه های شهید مطهری به عنوان یکی از پایه گذاران اصلی مطالعات در خصوص دین گرایی است: هر مسلمانی با مطالعه ی تاریخ تمدن گذشته مسلمانان این پرسش ها در ذهنش تداعی می شود که چه عواملی موجب شد مسلمانان پس از قرن ها پیشرفت عزت و اقتدار نه انحطاط و عقب افتادگی گرفتار آیند و امپراطوری بزرگ اسلامی به ده ها کشور کوچک تبدیل گردد؟ چرا هم اکنون کشورهای اسلامی با منابع بسیار زیاد طبیعی و نیروی انسانی عظیم و موقعیت جغرافیایی راهبردی و اقتصادی در مقایسه با بسیاری از ملل جهان، در عقب افتادگی رقت باری به سر می برند و در بیشتر زمینه ها محتاج بیگانگان اند و استقلال فکری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و اقتصادی خود را از کف داده اند و حتی توان مقابله با یک دولت صهیونیست نژاد پرست غاصب را ندارند، در ادامه دلایل انحطاط و عقب ماندگی مسلمین را با بهره مندی از آثار و اندیشه های شهید مطهری بیان می-کنیم. این علل را می توان در سه دسته کلی جای داد[۹]:

الف) **بخش اسلام:** برخی از مستشرقین براین باورند که پاره ای از اصول اعتقادی و قوانین اجتماعی و اخلاقی اسلام انحطاط-آور بوده و عامل تضعیف و عقب ماندگی مسلمین می باشد. اصولی که در این زمینه مورد اتهام واقع شده اند عبارتند از:

۱- **افکار و معتقدات اسلامی:** اعتقاد به سرنوشت و قضا و قدر، اعتقاد به آخرت و تحقیر زندگی دنیا، شفاعت، تقیه و انتظار فرج.

۲- **اخلاق اسلامی:** در اخلاق اسلامی مفاهیمی همچون زهد، قناعت، صبر، رضا، تسلیم و توکل به تاثیر در انحطاط مسلمین متهم شده اند.

۳- **قوانین جزایی و مدنی:** در این قوانین مسائلی که مورد اعتراض واقع شده اند عبارتند از: حقوق زن، بعضی از قوانین اقتصادی،..... مطالعه ی تاریخ اسلام و مذاقه و بررسی اصول اعتقادی و قوانین این مکتب نشانگر این واقعیت است که اصول و قوانین اسلامی عامل واپس گرایی و عقب ماندگی نیست، بلکه آن چه سبب ضعف و انکسار مسلمانان گشته، عدم کاربرد صحیح و مسخ و تخریب این اصول است.

بنابراین دلایل ضعف را در جایی غیر اسلام و معارف حیات بخش آن باید جستجو کرد، چرا که در تعالیم این شریعت الهی چیزی که مانع پیشرفت و رفاه و زمینه ساز واپس گرایی و انحطاط باشد، موجود نیست. در واقع این طرز تلقی مسلمانان از اسلام است که دچار آسیب شده و باعث قلب و تحریف و ارزش های مکتبی اسلام شده است. استاد مطهری در خصوص برداشت های ناصحیح از مفاهیم اسلامی و مسخ آنها می فرماید: توحید ما مسخ شده است، نبوت ما مسخ شده است، ولایت و امامت ما مسخ شده است، اعتقاد به قیامت کم و بیش مسخ شده است، تمام دستورهای اصلی اسلام در فکر ما همه تغییر شکل داده است. در دین صبر هست، زهد هست، تقوی هست، توکل هست، تمام اینها بدون استثناء به صورت مسخ شده در ذهن ما موجود است)).

ایشان همچنین در رابطه با رسوخ این افکار غلط و آثار سوء آن می نویسد: (( افرادی مانند من که با پرسش های مردم درباره ی مسائل مذهبی مواجه هستیم، کاملاً این حقیقت را درک می کنیم که بسیاری از افراد، تحت تاثیر تلقینات پدران و مادران جاهل و مبلغان بی سواد افکار غلطی در زمینه ی مسائل مذهبی در ذهنشان رسوخ کرده است و همان افکار غلط اثر سوء

بخشیده است و آن‌ها را درباره‌ی حقیقت دین و مذهب دچار تردید، احیاناً انکار کرده است. از این رو کوشش فراوانی لازم است صورت گیرد که اصول و مبانی مذهبی به صورت صحیح و واقعی خود به افراد تعلیم و لقاء شود)). شهید مطهری بر این باور بود که طرز تفکری که نتیجه اش دانایی و توانایی نباشد و نیز طرز تفکری که نتیجه اش سکون و عدم تحرک و بی خبری و بی اطلاعی باشد، از اسلام نیست، اسلام دین حیات است، دین حیات با بی خبری، ناتوانی و عجز ناسازگار است. بر این اساس معتقد بود که یکی از قدم‌های اساسی در احیاء دین، دگرگون کردن نوعی تلقی و نگرش دینداری و دین شناسان به دین است. در این باره می‌نویسد: (( امروز، غالباً می‌بینیم، معانی و مفاهیمی که ما را از اسلام داریم، خاصیت حیات‌بخشی و ایجاد زندگی ندارد، باید طرز تفکر و بینش خودمان را درباره‌ی دین اصلاح کنیم، آن عینکی که ما بر چشم زده ایم، عینک نادرست است، پس باید عینک و زاویه‌ی دید خودمان را اصلاح کنیم)) [۹].

## ۵. نتیجه‌گیری

خداوند دین و دینداری را در فطرت بشر به ودیعه نهاد و علی‌رغم اینکه دینداری و دین‌خواهی را در فطرت او قرار داد، اختیار و انتخاب سعادت و شقاوت را نیز به خود او وا گذاشت. تاریخ تمدن و فرهنگ انسان مملوء از جنگ و جدال‌هایی است که بین دینداران و ملحدان شکل گرفته است و عامل مهم و اصل تحول فرهنگ بشری، دین و دینداری است. در مرور و بررسی همه جانبه ((دینداری))، پس از واکاوی و تشریح مفهومی آن، به واقعیتی به نام ((دیندار شدن)) می‌رسیم. منظور از آن، وضعیتی است که آحاد انسانی به هر طریق، تعلق خاطری نسبت به دین و البته به دین مشخصی پیدا می‌کنند و در مقام پیرو، خود را ملزم به متابعت از تعالیم و فرامین آن می‌یابند. دیندار به مثابه انسان و دینداری به مثابه یک پدیده انسانی نمی‌تواند از مقتضیات حاکم بر حیات دنیوی بشر فارغ باشد و بیرون بماند. از همین رو، ناپایداری و تغییر، همچون هر پدیده دیگری دامان آن را نیز می‌گیرد و این به رغم ذات و جوهر پایداری است که نوعی در ادیان هست و بر صیانت از آن اصرار می‌ورزند و پیروان خویش را نیز بدان فرامی‌خوانند. دین‌گریزی به مثابه یک آسیب اجتماعی است، به گونه‌ای که فزونی و کاستی دین‌گریزی، افزایش و کاهش آسیب‌های اجتماعی را در پی دارد. از دیدگاه آیات و روایات، علل و عوامل اجتماعی دین‌گریزی عبارتند از: سخت و نا زیبا جلوه دادن دین، فقر معرفتی نسبت به مقولات دینی، تند و خشونت در گفتار و عمل، شبهات، اشاعه فساد، ابتذال و بی‌بندوباری، مشکلات اقتصادی موجود در کشور، گرایش طبیعی انسان‌ها به رهایی از قید و بندها، دوستان نامناسب، تهاجم فرهنگی.

## منابع و مراجع

### \* قرآن کریم

۱. امینی، جبار، مرادی خلیفه‌لو، رضا، محمدی ایلامی، رحیم (۱۳۹۱). علل و عوامل دین‌گریزی و نقش دانشگاهها در اصلاح آن. مجله مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره اول، ص ۶۶
۲. زینی‌وند، سیف‌اله؛ ولی‌زاده، معصومه؛ باورصاد، هومن (۱۳۹۶). بررسی تاثیر دین‌گریزی جوانان در گسترش جرایم (مطالعه موردی: جوانان شهرستان اهواز). فصلنامه دانش انتظامی، شماره دوم، ص ۱۱۷ و ۱۲۲
۳. رفیعی محمدی، ناصر، انصاری، علیرضا (۱۳۸۹). علل و ریشه‌های دین‌گریزی. فصلنامه علمی - تخصصی مبلغان، شماره اول، ص ۵۱
۴. گرد بهمنی، مهرانگیز (۱۳۹۳). دین‌گریزی از دیدگاه قرآن و روایات. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، ص ۳ و ۱
۵. بهرامی، محمد (۱۳۸۳). دین‌گریزی، عوامل و راه‌حل‌ها در پرتو قرآن. شماره سی و هفت و سی و هشتم، ص ۱۶-۱۳



۶. زرقی، موسی؛ احسانی فر، حسین؛ ویردی، عمار (۱۳۹۵). دین‌گریزی و علل و عوامل آن. همایش سراسری علمی-پژوهشی سبک زندگی، ص ۱
۷. باقری، عالیہ. (۱۳۹۶). علل دین‌گریزی جوانان و گرایش آنان به فرهنگ غرب و راهکارهای مقابله با آن. مجله نخبگان علوم و مهندسی، شماره پنجم، ص ۱۶
۸. صادقی، فاطمه. (۱۴۰۰). علل دین‌گریزی از منظر دین و نقش مراکز علمی در اصلاح آن. کلام حکمت، شماره هشتم، ص ۹۴
۹. موزیری، محمد. (۱۳۹۱). علل آسیب‌ها و باورهای دینی در نوجوانان و جوانان از دیدگاه خود آن‌ها، معلمان و مربیان پرورشی و صاحب‌نظران حوزوی شهرستان لامرد در سال ۹۱-۹۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، برنامه ریزی درسی، ص ۵۲ و ۵۳
۱۰. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۹۵). مدلی برای مطالعه دین‌گریزی در ایران. مجله راهبرد فرهنگ، شماره سی و پنجم
۱۱. عباسی، محمد (۱۳۸۶). عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب. نشر: معرفت